

جاده یکطرفه مشروطه

محسن آزموده

از همان روزهای نخست پیچیدن زمره قانون‌خواهی و مشروطه‌طلبی و خواست تاسیس عدالتخانه در میان نخبگان و با سوادهای محدود ایرانی، بودند نوازندگانی که ساز ناکوک می‌زدند و با تکرار باورهای قدیمی و کهنه، می‌گفتند: «ای بابا، قانون کیلو چنده؟ مشروطه‌مون کجا بود؟ این لقمه‌ها برای دهان رعیت ما خیلی بزرگه! یکی می‌مرد از درد بینوایی، یکی می‌گفت خانم زردک می‌خواهی؟ این حرفها کدومه، اصلا تا نباشد چوب تر...» این مخالف‌خوان‌ها، بر آن بودند که مشروطه‌خواهی برای ایرانی جماعت، اگر نگوییم همه ساکنان مشرق‌زمین، خیلی زود است و نباید بی‌گدار به آب زد. از دید ایشان، ملتی که قرن‌ها تحت استبداد و آشوب زیسته، نمی‌تواند یک‌روزه تغییر کند و باید صبر و تحمل داشت و اول زمینه‌ها را ایجاد کرد، بعد اگر بسترها و زیرساخت‌ها فراهم شد، برای مشروطه‌خواهی اقدام کرد.

اکنون صد و پانزده سال از امضای تاریخ مشروطیت می‌گذرد. در این فاصله ایران غیر از انقلاب مشروطه، یک انقلاب دیگر، دست‌کم سه کودتا و سقوط دو رژیم سیاسی یعنی سلسله قاجار و سلسله پهلوی را تجربه کرده است. در این فاصله، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی متنوع و متکثری در این کشور پدید آمده‌اند و کلیت جامعه، تحولی بنیادی و اساسی را از سر گذرانده است، از جامعه‌ای روستایی-ایلیاتی با اکثریت مطلق بی‌سواد، به ملت-دولتی شهری با اکثریت با سواد و شمار قابل توجه دانش‌آموخته دانشگاهی تغییر کرده و ایران به واسطه بهره‌مندی از ثروت نفت و سایر منابع طبیعی و انسانی خود، به کشوری قدرتمند و تاثیرگذار در منطقه خاورمیانه بدل شده.

روشن است که در این یک صد و پانزده سال، سایر جوامع و کشورها نیز تغییر و تحولاتی اساسی را از سر گذرانده‌اند، کشورهای توسعه‌یافته در مسیر دموکراسی‌خواهی و افزایش مشارکت مردم در تعیین سرنوشت‌شان، پیشرفت‌های مهمی کرده‌اند و بسیاری از جوامع کمتر توسعه‌یافته، در زمینه مشروطه‌خواهی و دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی، از ایران پیشی گرفته‌اند.

البته در این میان هستند جوامعی که کماکان به‌رغم تحولات پدیدآمده و ارتباطات گسترده کنونی، در وضعیتی استبدادی به سر می‌برند و هنوز در آنها صداها یی مشابه آنچه در ابتدا آمد، به گوش می‌رسد که

